Journal of Urban law Open Access

Summer (2026) 2(2): 49-66

ORIGINAL ARTICLE

An Examination of the Legal Aspects of US and Israeli Attacks on Iranian Cities, Sites, and Infrastructure from the Perspective of International Law

Ali Najibiyan[1*], Habibollah Azarian[2]

1. Assistant Prof., Faculty of social Sciences, payame Noor University, Tehran, Iran.
2. Instructor., Faculty of social Sciences, payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Ali Najibiyan
Email: ali.najibiyan@pnu.ac.ir

Received: 09 Jul 2026
Accepted: 07 Aug 2026

How to cite
Najibiyan, A. & Azarian, H. (2026) An Examination of the Legal Aspects of US and Israeli Attacks on Iranian Cities, Sites, and Infrastructure from the Perspective of International Law. *Journal of Urban law*, 2(2), 49-66. (DOI:)

ABSTRACT

The military, cyber, and intelligence operations against the territory and critical infrastructure of states constitute one of the fundamental challenges of contemporary international law. In recent years, the escalation of tensions among Iran, Israel, and the United States, particularly through direct and indirect attacks against Iranian military centers, defense installations, energy infrastructure, fuel systems, nuclear facilities, and cyber networks, has raised significant questions regarding the legitimacy of the use of force, the limits of self-defense, the protection of civilians, and the international responsibility of states. This article employs a descriptive-analytical approach, grounded in international instruments, the jurisprudence of the International Court of Justice (ICJ), the rules of international humanitarian law, and contemporary legal literature, to examine the attacks by the United States and Israel against Iran through the lens of the two principal branches of the law of armed conflict: jus ad bellum and jus in bello. The research findings reveal several critical legal dimensions. First, the justification of attacks against Iran on the basis of pre-emptive or preventive self-defense faces serious difficulties in light of Article 2(4) and Article 51 of the UN Charter, as well as the ICJ's jurisprudence. The Caroline Doctrine's stringent criteria of necessity, immediacy, and proportionality are not satisfied by the publicly available evidence concerning the Israeli strikes on Iranian territory in April and October 2024, nor by the US assassination of Major General Qasem Soleimani in January 2020. Second, attacks on critical and dual-use infrastructure, including energy facilities, communication networks, fuel systems, industrial centers, and nuclear installations, are compatible with international humanitarian law only if the principles of distinction, proportionality, military necessity, and precaution are meticulously observed. The ICRC's interpretive guidance emphasizes that the cascading and long-term effects of such attacks on the civilian population must be fully incorporated into the proportionality assessment. Third, the provision of intelligence, military, operational, or cyber support by the United States to Israel, if accompanied by knowledge of the circumstances of the internationally wrongful act and effective contribution to its commission, may engage the responsibility of the United States under Article 16 of the Articles on

Copyright © 2026 The Authors. Published by Payame Noor University.
This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.

Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA). Fourth, cyber operations against Iranian infrastructure, such as the Stuxnet attack on the Natanz nuclear facility, may rise to the level of "use of force" under Article 2(4) of the Charter if they produce physical destruction or severe disruption comparable to conventional military operations, though the threshold for "armed attack" triggering the right of self-defense remains contested. The study concludes that, absent explicit Security Council authorization or the fulfillment of the stringent conditions of self-defense, attacks by the United States and Israel against Iranian territory, cities, facilities, and infrastructure constitute violations of the prohibition on the use of force and the principle of state sovereignty. The doctrine of preventive self-defense lacks a solid foundation in international law and, if accepted, would effectively nullify the general prohibition on the use of force. From the perspective of international humanitarian law, even attacks on legitimate military objectives must comply with the principles of distinction, proportionality, and precaution; attacks that cause excessive civilian harm or disrupt essential services for the civilian population may amount to indiscriminate attacks. Furthermore, the United States cannot automatically escape international responsibility merely because it did not directly carry out the attacks; rather, its supportive role may give rise to derivative responsibility under the law of state responsibility. The study recommends that Iran pursue legal accountability through the available mechanisms of the United Nations, the ICJ, and international public opinion, while emphasizing that the weakness of enforcement mechanisms in the international legal system does not diminish the binding force of its fundamental norms.

K E Y W O R D S
Iran, United States, use of force, critical infrastructure, international humanitarian law.

مجله حقوق شهری

سال دوم، شماره دوم، پیاپی دوم، تابستان ۱۴۰۵ (۴۹-۶۶)

«مقاله پژوهشی»

بررسی ابعاد حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به شهرها، اماکن و زیرساخت‌های ایران از منظر حقوق بین‌الملل

علی نجیبیان[1*]، حبیب‌الله آذریان[2]

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. مربی، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

علی نجیبیان

رایانامه: ali.najibiyan@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۶

چکیده

حملات نظامی، سایبری و اطلاعاتی علیه قلمرو و زیرساخت‌های حیاتی دولت‌ها، یکی از چالش‌های بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر است. در سال‌های اخیر، تشدید تنش میان ایران، اسرائیل و ایالات متحده، به‌ویژه در قالب حملات مستقیم و غیرمستقیم علیه مراکز نظامی، تأسیسات پدافندی، زیرساخت‌های انرژی، سامانه‌های سوخت‌رسانی، تأسیسات هسته‌ای و شبکه‌های سایبری ایران، پرسش‌های مهمی را درباره مشروعیت توسل به زور، حدود دفاع مشروع، حمایت از غیرنظامیان و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مطرح کرده است. این مقاله با روش توصیفی – تحلیلی و بر پایه اسناد بین‌المللی، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و ادبیات حقوقی معاصر، حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران را از منظر دو شاخه اصلی حقوق مخاصمات، یعنی حقوق توسل به زور (Jus ad Bellum) و حقوق بشردوستانه بین‌المللی (Jus in Bello) بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توجیه حملات علیه ایران بر پایه دفاع مشروع پیش‌دستانه یا پیشگیرانه، در پرتو ماده ۲ بند ۴ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، با دشواری جدی مواجه است. همچنین حمله به زیرساخت‌های حیاتی و اهداف دوگانه، از جمله تأسیسات انرژی، شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های سوخت‌رسانی، مراکز صنعتی و تأسیسات مرتبط با برنامه هسته‌ای، تنها در صورتی با حقوق بشردوستانه قابل جمع است که اصول تفکیک، تناسب، ضرورت نظامی و احتیاط به‌دقت رعایت شود. افزون بر این، حمایت اطلاعاتی، تسلیحاتی، عملیاتی یا سایبری ایالات متحده از حملات اسرائیل، در صورت احراز علم و نقش مؤثر در تسهیل عمل متخلفانه، می‌تواند مسئولیت معاونتی آمریکا را ذیل ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مطرح سازد.

واژه‌های کلیدی

ایران، آمریکا، توسل به زور، زیرساخت‌های حیاتی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

استناد به این مقاله:

نجیبیان، علی و آذریان، حبیب‌الله. (۱۴۰۵). بررسی ابعاد حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به شهرها، اماکن و زیرساخت‌های ایران از منظر حقوق بین‌الملل. *مجله حقوق شهری*، ۲(۲)، ۴۹-۶۶.

حق انتشار این مستند، متعلق به نویسندگان آن است. ۱۴۰۵ ©. ناشر این مقاله، دانشگاه پیام نور است.

این مقاله تحت گواهی زیر منتشرشده و هر نوع استفاده غیرتجاری از آن مشروط بر استناد صحیح به مقاله و با رعایت شرایط مندرج در آدرس زیر مجاز است.

Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

۱- درآمد

نظم حقوقی بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم بر پایه اصل بنیادین منع توسل به زور در روابط میان دولت‌ها بنا شده است. ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، دولت‌ها را از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت منع می‌کند. این قاعده، نه‌تنها یک تعهد قراردادی ناشی از منشور ملل متحد، بلکه از منظر بسیاری از حقوقدانان و رویه قضایی بین‌المللی، یک قاعده عرفی و حتی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود (United Nations, 1945; International Court of Justice [ICJ], 1986). با این‌حال، تحولات ژئوپلیتیکی دهه‌های اخیر، به‌ویژه در غرب آسیا، نشان داده است که اصل منع توسل به زور همواره با چالش‌های عملی جدی روبه‌رو بوده است. رقابت‌های امنیتی، برنامه‌های هسته‌ای، حملات سایبری، ترورهای هدفمند، عملیات‌های اطلاعاتی و استفاده از نیروهای نیابتی، موجب شده‌اند مرز میان صلح، تنش، مخاصمه محدود و جنگ آشکار بیش از پیش مبهم شود. در این میان، ایران یکی از مهم‌ترین نمونه‌های معاصر در زمینه مواجهه با طیفی از اقدامات خصمانه نظامی، سایبری و اطلاعاتی بوده است.

حملات علیه ایران در سال‌های اخیر، به‌ویژه حملات منتسب به اسرائیل و حمایت‌های مستقیم یا غیرمستقیم ایالات متحده، از منظر حقوق بین‌الملل واجد اهمیت ویژه است. این حملات را می‌توان در چند دسته کلی طبقه‌بندی کرد: نخست، حملات نظامی مستقیم یا نیمه‌مستقیم علیه مراکز نظامی، پدافندی یا تحقیقاتی ایران؛ دوم، حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی از جمله سامانه‌های سوخت، حمل‌ونقل، بنادر، صنایع و تأسیسات هسته‌ای؛ سوم، عملیات‌های خرابکارانه و ترور هدفمند علیه دانشمندان، فرماندهان و افراد مرتبط با ساختار دفاعی و امنیتی ایران؛ و چهارم، حمایت‌های اطلاعاتی، تسلیحاتی و عملیاتی آمریکا از اسرائیل در چارچوب تقابل منطقه‌ای با ایران.

در این چارچوب، پرسش اصلی مقاله حاضر آن است که حملات آمریکا و اسرائیل علیه قلمرو، شهرها، اماکن و زیرساخت‌های ایران از منظر حقوق بین‌الملل چه وضعیتی دارند؟ آیا این حملات را می‌توان ذیل دفاع مشروع، دفاع پیش‌دستانه یا ضرورت امنیتی توجیه کرد؟ آیا حمله به زیرساخت‌های دوگانه، مانند تأسیسات انرژی، ارتباطات، سامانه‌های پدافندی، مراکز صنعتی و تأسیسات هسته‌ای، با اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی سازگار است؟ نقش آمریکا در حمایت از اقدامات اسرائیل علیه ایران از منظر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها چگونه ارزیابی می‌شود؟ و در نهایت، ایران از چه مسیرهای حقوقی برای پیگیری مسئولیت، جبران خسارت و مستندسازی نقض‌ها برخوردار است؟

۲- پیشینه پژوهش

ادبیات حقوقی پژوهش پیرامون حملات به زیرساخت‌های ایران را به‌طور کلی می‌توان به چند دسته کلی تقسیم کرد. دسته نخست، پژوهش‌هایی است که بر جنبه‌های خاصی از تقابل سایبری متمرکز بوده‌اند. برای نمونه، تحلیل‌های متعددی درباره حمله استاکس‌نت به تأسیسات هسته‌ای نطنز انجام شده که عمدتاً به مسئله انتساب و امکان تلقی آن به‌عنوان «توسل به زور» پرداخته‌اند(Wajahat,j et.al. 2025.p521) این پژوهش‌ها اگرچه راهگشا هستند، اما دامنه آن‌ها محدود به یک رویداد مشخص در دهه گذشته است و تحولات اخیر، به‌ویژه حملات سایبری به سامانه‌های سوخت و بنادر ایران را پوشش نمی‌دهند. دسته دوم، آثاری هستند که به تحلیل حقوقی برنامه هسته‌ای ایران و تهدیدات نظامی علیه آن پرداخته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها بیشتر بر مسئله «دفاع مشروع پیشگیرانه» و منع توسل به زور تمرکز داشته‌اند (Corten, ۲۰۲۱; Gray, ۲۰۱۸). با این‌حال، کمتر پژوهشی به‌طور هم‌زمان ابعاد Jus ad Bellum و Jus in Bello را در قبال طیف متنوعی از حملات (نظامی، سایبری و خرابکارانه) بررسی کرده است. دسته سوم، شامل پژوهش‌های کلی‌تر درباره مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال کمک به اعمال متخلفانه است (International Law Commission [ILC], 2001; Moynihan, 2020). این منابع چارچوب نظری لازم را فراهم می‌کنند، اما تطبیق آن بر نقش مشخص آمریکا در حمایت از عملیات اسرائیل علیه ایران، به‌ویژه در تنش‌های اخیر، یک خلأ پژوهشی محسوب می‌شود. مقاله حاضر با پر کردن این شکاف‌ها، تلاش می‌کند تا تحلیلی یکپارچه و به‌روز از ابعاد حقوقی حملات آمریکا و اسرائیل به ایران ارائه دهد و هم‌زمان قواعد توسل به زور، حقوق بشردوستانه و مسئولیت دولت‌ها را بر مصادیق عینی تطبیق کند.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» و مبتنی بر روش «کتابخانه‌ای-اسنادی» انجام شده است. داده‌های تحقیق از طریق مطالعه و تحلیل منابع دست اول حقوق بین‌الملل شامل منشور ملل متحد، کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی، رویه قضایی

دیوان بین‌المللی دادگستری (به‌ویژه آرای نیکاراگوئه و سکوهای نفتی)، طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، و همچنین دکترین حقوقی معتبر (کتب و مقالات تخصصی) گردآوری شده است. در بخش تحلیلی، قواعد حقوقی شناسایی‌شده بر مصادیق عینی حملات علیه ایران (شامل حملات نظامی آوریل و اکتبر ۲۰۲۴، حملات سایبری به سامانه سوخت و بنادر) تطبیق داده شده و مشروعیت آن‌ها مورد سنجش قرار گرفته است.

از آنجا که بسیاری از اطلاعات مربوط به حملات نظامی، سایبری و اطلاعاتی علیه ایران ماهیت امنیتی و طبقه‌بندی‌شده دارند، مقاله حاضر در بخش تطبیق قواعد حقوقی بر وقایع، بر داده‌های آشکار تکیه می‌کند. این داده‌ها شامل بیانیه‌های رسمی دولت‌ها، مکاتبات ثبت‌شده نزد شورای امنیت، گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارش رسانه‌های بین‌المللی معتبر و تحلیل‌های منتشرشده توسط نهادهای تخصصی حقوق بین‌الملل و امنیت سایبری است. بنابراین، هرجا از «حملات منتسب» یا «گزارش‌های حاکی از» سخن گفته می‌شود، مقصود احراز قضایی قطعی انتساب نیست، بلکه تحلیل حقوقی بر پایه اطلاعات عمومی موجود است. این تفکیک به‌ویژه در حوزه حملات سایبری اهمیت دارد؛ زیرا انتساب حقوقی عملیات سایبری به دولت‌ها، مستلزم احراز معیارهای دقیق‌تری نسبت به انتساب فنی یا سیاسی است.

٤- چارچوب مفهومی و حقوقی بحث

٤-١. تمایز میان حقوق توسل به زور و حقوق بشردوستانه بین‌المللی

تحلیل حقوقی حملات نظامی علیه ایران مستلزم تفکیک میان دو شاخه متفاوت اما مرتبط حقوق بین‌الملل است: نخست، حقوق توسل به زور[1] که به مشروعیت آغاز یا توسل به نیروی نظامی می‌پردازد؛ دوم، حقوق بشردوستانه بین‌المللی[2] که شیوه انجام عملیات نظامی، حمایت از غیرنظامیان و محدودیت‌های جنگ را تنظیم می‌کند.

بر این اساس، حتی اگر دولتی مدعی شود که توسل آن به زور مشروع بوده است، همچنان مکلف است در جریان عملیات نظامی، اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی را رعایت کند. به همین ترتیب، حتی اگر جنگ یا حمله‌ای از منظر توسل به زور نامشروع باشد، طرفین مخاصمه همچنان باید قواعد بشردوستانه را رعایت کنند.

این اصل که گاه از آن با عنوان استقلال حقوق توسل به زور و حقوق در جنگ یاد می‌شود، در اسناد و ادبیات حقوقی بین‌المللی تثبیت شده است.(Azad.M.2023. p.48) در موضوع ایران، این تفکیک اهمیت اساسی دارد. ممکن است حمله‌ای به قلمرو ایران از منظر ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد نامشروع باشد؛ اما افزون بر آن، اگر همان حمله به‌گونه‌ای انجام شود که باعث تلفات غیرنظامی، تخریب زیرساخت‌های حیاتی یا آسیب گسترده زیست‌محیطی شود، از منظر حقوق بشردوستانه نیز مسئولیت‌زا خواهد بود. (Hokayem,2026.p.41)

٤-٢. تعریف تجاوز و حمله مسلحانه

قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، تجاوز را استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر تعریف می‌کند (United Nations General Assembly 1974). بر اساس این قطعنامه، بمباران قلمرو یک دولت، حمله نیروهای مسلح یک دولت به قلمرو دولت دیگر، محاصره بنادر یا سواحل، و استفاده از نیروهای مسلح مستقر در قلمرو دولت دیگر برخلاف شرایط توافق، می‌تواند از مصادیق تجاوز باشد.(قائدی و دیگران، ۱۴۰۴)

در خصوص ایران، هرگونه حمله موشکی، پهپادی، هوایی یا سایبری با آثار معادل حمله نظامی که از سوی اسرائیل یا ایالات متحده آمریکا علیه اهداف واقع در قلمرو ایران انجام شود، در اصل می‌تواند ذیل ممنوعیت توسل به زور موضوع ماده ۲ بند ۴ منشور و در موارد شدیدتر، ذیل مفهوم تجاوز موضوع قطعنامه ۳۳۱۴ مورد بررسی قرار گیرد. حملات اسرائیل به خاک ایران در آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ به تأسیسات نظامی و پدافندی، و همچنین ترور سردار قاسم سلیمانی توسط پهپاد آمریکایی در فرودگاه بغداد در ژانویه ۲۰۲۰، نمونه‌های بارزی هستند که از منظر حقوقی با چالش‌های جدی در تطابق با معیارهای دفاع مشروع مواجه‌اند. گزارش رسمی آگنس کالامار، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور اعدام‌های فراقضایی، ترور سلیمانی را «نمونه‌ای از نقض حقوق بین‌الملل» و فاقد توجیه کافی بر مبنای دفاع مشروع توصیف کرد و بر این نکته تأکید کرد که حمله به یک مقام رسمی دولتی در قلمرو کشور ثالث (عراق) و بدون رضایت دولت میزبان، تخطی از حاکمیت عراق نیز محسوب می‌شود (5.CRP/44/Callamard A/HRC ,2020. UN.Doc). ادعای اسرائیل و آمریکا مبنی بر «دفاع پیش‌دستانه» در برابر تهدیدات

1. Jus ad Bellum

2. Jus in Bello

بالقوه، از منظر اکثریت قاطع حقوق‌دانان بین‌المللی فاقد وجاهت حقوقی است، چرا که با معیار سنتی «قریب‌الوقوع و قطعی» بودن حمله که در دکترین کارولین ریشه دارد، سازگار نیست (Dinstein 2018 p. 135, Gray,2017.p.230).

٤-۳. ممنوعیت توسل به زور و جایگاه آن در نظام بین‌المللی

ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد مقرر می‌کند که همه اعضا در روابط بین‌المللی خود باید از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت، یا به هر شیوه‌ای که با مقاصد ملل متحد مغایر باشد، خودداری کنند (United Nations, 1945). دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه تصریح کرد که این قاعده علاوه بر منشور، دارای ماهیت عرفی نیز هست.(ICJ 1986)

از این منظر، حمله به خاک ایران – اعم از آنکه توسط اسرائیل یا آمریکا صورت گیرد – در اصل ممنوع است، مگر آنکه در چارچوب یکی از دو استثنای پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل قرار گیرد: نخست، مجوز شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور؛ دوم، دفاع مشروع فردی یا جمعی طبق ماده ۵۱ منشور در صورت وقوع حمله مسلحانه.

در مورد حملات علیه ایران، تا آنجا که به چارچوب حقوقی عمومی مربوط است، هیچ مجوز صریحی از سوی شورای امنیت برای حمله به قلمرو یا زیرساخت‌های ایران صادر نشده است. بنابراین، تنها توجیه قابل تصور برای آمریکا یا اسرائیل، استناد به دفاع مشروع است. اعتبار این استناد باید بر اساس شروط ضرورت، تناسب، فوریت و وقوع یا قریب‌الوقوع بودن حمله مسلحانه سنجیده شود.

۵- دفاع مشروع و محدودیت‌های آن در قبال ایران

۵-۱. مفهوم دفاع مشروع در ماده ۵۱ منشور

ماده ۵۱ منشور ملل متحد به عنوان یکی از استثنائات کلیدی و ذاتی بر اصل ممنوعیت توسل به زور (موضوع بند ۴ ماده ۲)، حق دفاع مشروع فردی یا جمعی را در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو سازمان ملل به رسمیت می‌شناسد. این ماده تصریح می‌کند که اقدامات دفاعی اتخاذ شده باید فوراً به شورای امنیت گزارش شود و این اقدامات نباید به اختیارات و مسئولیت‌های شورای امنیت در جهت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی لطمه‌ای وارد آورد. این شرط گزارش‌دهی، یک الزام شکلی و ماهوی است که به شورای امنیت اجازه می‌دهد تا بر مشروعیت ادعای دفاع مشروع نظارت کند و از سوءاستفاده دولت‌ها از این حق برای توجیه اقدامات تهاجمی جلوگیری نماید. تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نکرده باشد، حق دفاع مشروع پابرجا است (United Nations, 1945; Simma 2012).

در رویه حقوق بین‌الملل و به ویژه در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری، مفهوم «حمله مسلحانه» به عنوان آستانه‌ای برای فعال‌سازی حق دفاع مشروع، تفسیر محدودتری نسبت به مفهوم کلی «توسل به زور» دارد. بر اساس رأی مشهور دیوان در قضیه «فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در و علیه نیکاراگوئه» (۱۹۸۶)، هر حمله مسلحانه‌ای مصداق توسل به زور است، اما هر توسل به زوری لزوماً حمله مسلحانه محسوب نمی‌شود. دیوان تأکید کرد که برای تحقق حمله مسلحانه، اقدام باید از نظر «مقیاس و اثرات»[1] به حدی باشد که بتوان آن را جدی‌ترین شکل استفاده از زور تلقی کرد. بنابراین، حمایت‌های لجستیکی یا مالی از گروه‌های شورشی، اگرچه ممکن است ممنوع باشد، اما به تنهایی آستانه حمله مسلحانه را برای توجیه دفاع مشروع مسلحانه فرا نمی‌رود (ICJ 1986; Gray 2018).

فراتر از متن منشور، حقوق بین‌الملل عرفی دو معیار بنیادین دیگر را برای اعمال مشروع دفاع مشروع شناسایی می‌کند که ریشه در دکترین تاریخی «کارولین»[2] دارد: ضرورت و تناسب. معیار ضرورت[3] ایجاب می‌کند که توسل به زور باید «فوری، غلبه‌کننده، و بدون هیچ‌گونه انتخاب یا تأملی» باشد؛ به این معنا که استفاده از نیروی نظامی باید آخرین راه چاره[4] برای دفع خطر باشد و تمامی راهکارهای مسالمت‌آمیز یا دیپلماتیک ناکارآمد بوده باشند. معیار تناسب[5] نیز به معنای تقابل چشم در برابر چشم نیست، بلکه ایجاب می‌کند که پاسخ نظامی از حیث شدت، دامنه، زمان و اهداف، صرفاً به میزان لازم برای خنثی‌سازی حمله، دفع خطر و جلوگیری از تکرار آن محدود شود و از ایجاد خسارات جانبی غیرضروری یا ویرانی گسترده پرهیز گردد (Ruys 2010; Dinstein 2017).

1. Scale and Effects
2. Caroline Doctrine
3. Necessity
4. Last Resort
5. Proportionality

۵-۲. دفاع مشروع پیش‌دستانه و پیشگیرانه

یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث معاصر در حقوق توسل به زور (*Jus ad Bellum*)، تمایز میان دو مفهوم «دفاع مشروع پیش‌دستانه» (*Pre-emptive Self-Defence*) و «دفاع مشروع پیشگیرانه» (*Preventive Self-Defence*) است. این تمایز، به‌ویژه در دهه اخیر و در پرتو تحولات امنیتی خاورمیانه، از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار شده است (*Ruys, 2023, pp. 215-248*). دفاع پیش‌دستانه در معنای محدود و سنتی خود، ریشه در دکترین تاریخی «کارولین» (*Caroline Doctrine, 1837*) دارد که بر اساس آن، توسل به زور تنها در شرایطی موجه است که «ضرورت دفاع، فوری، غلبه‌کننده و بدون هیچ‌گونه انتخاب یا تأملی» باشد. به عبارت دیگر، حمله دشمن باید قریب‌الوقوع (*imminent*)، قطعی (*certain*) و اجتناب‌ناپذیر (*unavoidable*) باشد (*Wilmshurst, 2021, pp. 12-18*). این معیار سنتی، اگرچه در دوران مدرن با چالش‌هایی مواجه شده، اما همچنان به عنوان مبنای تفسیر ماده ۵۱ منشور ملل متحد شناخته می‌شود. در مقابل، دفاع پیشگیرانه به معنای توسل به زور برای مقابله با تهدیدات احتمالی، نامعین یا بلندمدت آینده است؛ تهدیداتی که هنوز به مرحله «قریب‌الوقوع بودن» نرسیده‌اند. اکثریت قاطع حقوق‌دانان بین‌المللی، از جمله دینشتاین در ویرایش هفتم اثر مرجع خود (۲۰۲۱) و گری در ویرایش پنجم (۲۰۲۲)، دفاع پیشگیرانه را با ماده ۵۱ منشور ناسازگار می‌دانند. استدلال اصلی این است که پذیرش این دکترین، عملاً ممنوعیت عام توسل به زور موضوع بند ۴ ماده ۲ منشور را بی‌اثر می‌کند و به دولت‌ها اجازه می‌دهد بر اساس ارزیابی‌های امنیتی یک‌جانبه و ذهنی، به زور متوسل شوند (*Dinstein, 2021, pp. 275-258; Gray, 2022, pp. 178-205*).

در رابطه با ایران، ادعای اسرائیل و در مواردی ایالات متحده مبنی بر حق حمله به تأسیسات، مراکز نظامی یا زیرساخت‌های ایران به بهانه «جلوگیری از تهدیدات احتمالی آینده»، به‌ویژه در پرتو حملات آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ اسرائیل به قلمرو ایران، از منظر حقوق بین‌الملل با چالش‌های جدی مواجه است. نخست این‌که اسرائیل در توجیه حملات خود عمدتاً به دکترین «دفاع پیش‌دستانه در برابر تهدید قریب‌الوقوع» استناد می‌کند، اما شواهد علنی ارائه‌شده تاکنون، معیارهای سخت‌گیرانه کارولین را احراز نمی‌کند. گزارش‌های مستقل نهادهای حقوق بشری و تحلیل‌های آکادمیک نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد، حمله اسرائیل به ایران (از جمله حمله به کنسولگری ایران در دمشق در آوریل ۰۲۴ و حملات متعاقب آن) ماهیت «پیشگیرانه» داشته تا «پیش‌دستانه» (*UN OCHA, 2024; Amnesty International, 2024*). دوم این‌که ادعای «تهدید هسته‌ای ایران» که گاه به عنوان مبنای دفاع پیشگیرانه مطرح می‌شود، از منظر حقوقی با ایرادات اساسی مواجه است. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود درباره سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶) و نیز در رویه قضایی بعدی، تأکید کرده است که صرف «داشتن توانایی» یا «برنامه‌ریزی برای توسعه» یک سلاح، به خودی خود حمله مسلحانه قریب‌الوقوع محسوب نمی‌شود (*ICJ, 1996, para. 43; Ruys, 2023, pp. 230-235*). و در نهایت، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوهای نفتی (ایران علیه آمریکا، ۲۰۳) همچنان به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع قضایی در این حوزه باقی مانده است. در این پرونده، دیوان صراحتاً حکم کرد که آمریکا نتوانسته است اثبات کند آسیب وارده به یک کشتی آمریکایی (*USS Samuel B Roberts*) در حد «حمله مسلحانه» موضوع ماده ۵ بوده است، و در نتیجه، حمله آمریکا به سکوهای نفتی ایران در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ را نمی‌توان بر مبنای دفاع مشروع توجیه کرد (*ICJ, 2003, paras. ۷۲-۷۹*). این رأی، معیار سخت‌گیرانه‌ای برای احراز آستانه «حمله مسلحانه» تعیین کرده که در ارزیابی ادعاهای فعلی اسرائیل و آمریکا علیه ایران نیز کاربرد مستقیم دارد. اهمیت این پرونده در موضوع حاضر آن است که هرگونه استناد آمریکا یا اسرائیل به دفاع مشروع برای حمله به ایران باید از آزمون مشابهی عبور کند. یعنی دولت حمله‌کننده باید نشان دهد: نخست، ایران مرتکب حمله مسلحانه شده است؛ دوم، حمله متقابل واقعاً ضروری بوده است؛ سوم، دامنه و شدت حمله متناسب با دفع همان حمله بوده است؛ و چهارم، اقدام دفاعی به شورای امنیت گزارش شده است. بدون تحقق این شرایط، حمله به ایران را نمی‌توان به سادگی ذیل دفاع مشروع توجیه کرد.

۶- حملات اسرائیل علیه قلمرو و زیرساخت‌های ایران

۶-۱. وضعیت حقوقی حملات مستقیم به قلمرو ایران

حمله مستقیم یک دولت به قلمرو دولت دیگر، اعم از حمله هوایی، موشکی، پهپادی یا عملیات ویژه، اصولاً مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۲ بند ۴ منشور است. اگر حمله اسرائیل علیه اهدافی در خاک ایران انجام شود، چنین اقدامی در اصل نقض حاکمیت و تمامیت ارضی ایران محسوب می‌شود، مگر اینکه اسرائیل بتواند دفاع مشروع را طبق معیارهای سخت‌گیرانه حقوق بین‌الملل اثبات کند.

در اینجا باید تأکید کرد که صرف وجود تنش سیاسی، اظهارات تهدیدآمیز، رقابت منطقه‌ای، اختلاف بر سر برنامه هسته‌ای یا حمایت ادعایی از گروه‌های غیردولتی، به‌خودی‌خود مجوز حمله نظامی به خاک ایران ایجاد نمی‌کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه میان «استفاده از زور» و «حمله مسلحانه» تفاوت قائل شد و تصریح کرد که هرگونه حمایت یا مداخله‌ای الزاماً به سطح حمله مسلحانه نمی‌رسد (ICJ, 1986). از این منظر، حمله به مراکز نظامی، پدافندی، صنعتی یا تحقیقاتی ایران، اگر در پاسخ به حمله مسلحانه واقعی و قابل انتساب به ایران نباشد، می‌تواند مصداق نقض منع توسل به زور و اصل عدم مداخله باشد. چنانچه حمله از شدت و گستره کافی برخوردار باشد، حتی می‌تواند در چارچوب تعریف تجاوز نیز بررسی شود.

٦-٢. حمله به مراکز نظامی و پدافندی ایران

در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اهداف نظامی شامل اشیائی هستند که به لحاظ ماهیت، موقعیت، هدف یا استفاده، سهم مؤثری در عملیات نظامی دارند و نابودی یا خنثی‌سازی آنها مزیت نظامی مشخصی ایجاد می‌کند (International Committee of the Red Cross [ICRC] 1977; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005). مراکز نظامی، پایگاه‌های پدافندی، رادارها، انبارهای تسلیحاتی و سامانه‌های فرماندهی و کنترل، در شرایط مخاصمه، می‌توانند هدف نظامی مشروع محسوب شوند.

با این‌حال، نظامی بودن هدف به معنای آزادی مطلق در حمله نیست. حمله به اهداف نظامی نیز باید با اصول تناسب و احتیاط سازگار باشد. اگر سامانه پدافندی در نزدیکی مناطق مسکونی، مراکز درمانی، مدارس، تأسیسات انرژی یا اماکن پرجمعیت قرار داشته باشد، دولت حمله‌کننده مکلف است در انتخاب زمان، روش، نوع سلاح و دامنه حمله، تدابیر لازم برای کاهش آسیب غیرنظامی را اتخاذ کند. بنابراین، حتی اگر برخی اهداف مورد حمله در ایران، نظامی تلقی شوند، ارزیابی حقوقی حمله نیازمند بررسی دقیق آثار جانبی آن بر غیرنظامیان، زیرساخت‌های غیرنظامی و محیط زیست است.(چراغی، ۱۴۰۴) حمله‌ای که به بهانه انهدام یک هدف نظامی، باعث تخریب گسترده مناطق شهری یا قطع خدمات حیاتی برای جمعیت غیرنظامی شود، ممکن است ناقض اصل تناسب باشد.(ICRC, 1977, arts. 51, 57; ICRC, 2020 ;Henckaerts & Doswald-Beck, 2005)

گزارش‌های متعدد حاکی از حملات پهپادی و موشکی به تأسیساتی در استان اصفهان، از جمله یک پایگاه هوایی و سامانه‌های پدافند هوایی بود. مقامات ایرانی این حمله را به اسرائیل نسبت دادند. فارغ از بحث مشروعیت اصل حمله، این عملیات از منظر حقوق بشردوستانه قابل تحلیل است. پایگاه‌های هوایی و سامانه‌های راداری، به خودی خود «هدف نظامی» محسوب می‌شوند. با این‌حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که این تأسیسات در مجاورت مناطق مسکونی و تأسیسات غیرنظامی قرار داشتند. در این شرایط، اصل احتیاط (ماده ۵۷ پروتکل اول) مهاجم را موظف به انتخاب زمان، سلاح و روشی می‌کند که آسیب جانبی به غیرنظامیان را به حداقل برساند. استفاده از پهپادهای انتحاری با کلاهک‌های کوچک می‌تواند نشان‌دهنده تلاش برای رعایت اصل احتیاط باشد، اما این ارزیابی نیازمند اطلاعات دقیق میدانی از خسارات واقعی است. از همین‌رو، صرف «نظامی» بودن هدف، مجوزی برای نادیده گرفتن ایمنی غیرنظامیان اطراف نیست. (ICRC, 1977, arts. 52, 57; Reuters, 2024; ICRC, 2020)

٦-٣. حمله به زیرساخت‌های حیاتی و اهداف دوگانه

یکی از مهم‌ترین بخش‌های بحث درباره ایران، حمله به زیرساخت‌های حیاتی یا اهداف دوگانه است. اهداف دوگانه اشیائی هستند که هم کاربرد غیرنظامی و هم کاربرد نظامی دارند؛ مانند شبکه برق، پالایشگاه‌ها، تأسیسات مخابراتی، بنادر، فرودگاه‌ها، سامانه‌های حمل‌ونقل، مراکز داده و زیرساخت‌های سوخت‌رسانی. در حقوق بشردوستانه بین‌المللی، صرف دوگانه بودن یک هدف، حمله به آن را به‌طور خودکار مجاز نمی‌کند. برای مشروعیت حمله، باید ثابت شود که آن هدف در زمان حمله سهم مؤثری در عملیات نظامی دارد و نابودی آن مزیت نظامی مستقیم و ملموسی ایجاد می‌کند.(International Committee of the Red Cross [ICRC], 1977, art. 52(2); Henckaerts & Doswald-Beck 2005) افزون بر آن، آثار جانبی حمله بر جمعیت غیرنظامی باید با مزیت نظامی مورد انتظار متناسب باشد (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005). در ایران، شبکه‌های برق، انرژی، پالایشگاه‌ها، سامانه‌های سوخت‌رسانی، تأسیسات ارتباطی و حمل‌ونقل، با زندگی روزمره میلیون‌ها نفر ارتباط مستقیم دارند. قطع برق می‌تواند بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، سردخانه‌های دارویی، سامانه‌های آبرسانی، تصفیه‌خانه‌ها، حمل‌ونقل شهری، ارتباطات اضطراری و خدمات عمومی را مختل کند. حمله به پالایشگاه‌ها و

مراکز سوخت‌رسانی نیز می‌تواند باعث کمبود سوخت، آلودگی زیست‌محیطی، آتش‌سوزی‌های گسترده و اختلال در خدمات حیاتی شود. بنابراین، در ارزیابی حقوقی حملات علیه زیرساخت‌های ایران، باید صرفاً به اثر فوری انفجار یا تخریب توجه نکرد، بلکه باید آثار زنجیره‌ای و بلندمدت آن بر جمعیت غیرنظامی را نیز در نظر گرفت. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأکید کرده است که در حمله به اهداف دوگانه، آثار غیرمستقیم اما قابل پیش‌بینی حمله نیز باید در ارزیابی تناسب لحاظ شود.(Henckaerts & Doswald-Beck ICRC, 1977, arts. 51(5)(b), 57; ICRC, 2020;2005, (2021, ICRC;

در جنگ اخیر، تهدیدات علیه زیرساخت‌های انرژی ایران (اکتبر ۲۰۲۴) گمانه‌زنی‌ها و تهدیداتی مبنی بر حمله به زیرساخت‌های انرژی ایران، از جمله پالایشگاه‌ها و پایانه‌های صادراتی، مطرح شد. حمله به چنین اهدافی، مصداق بارز چالش «اهداف دوگانه» است. پالایشگاه‌ها، علاوه بر تأمین سوخت نیروهای مسلح، منبع اصلی تأمین بنزین، گازوئیل و سوخت نیروگاهی برای میلیون‌ها غیرنظامی هستند. حمله به یک پالایشگاه بزرگ می‌تواند موجب قطع گسترده سوخت، اختلال در حمل‌ونقل عمومی، از کار افتادن آمبولانس‌ها و ماشین‌های آتش‌نشانی، و ایجاد بحران در زنجیره تأمین کالاهای اساسی شود. چنین آثار زنجیره‌ای وسیعی، طبق تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، باید در تحلیل «تناسب» حمله لحاظ گردد. این استدلال که پالایشگاه چون سوخت نظامی تولید می‌کند، یک هدف نظامی تمام‌عیار است، نمی‌تواند آثار فاجعه‌بار انسانی آن را نادیده بگیرد. مزیت نظامی مورد انتظار از انهدام یک پالایشگاه، باید در برابر رنج عظیم انسانی ناشی از آن سنجیده شود. (United Nations, 1945, art. 2(4) ICRC, 2020; ICRC, (International Law Commission, 2022; 2021

٦-٤. حمله به تأسیسات هسته‌ای

تأسیسات هسته‌ای از حساس‌ترین موضوعات در ارزیابی حملات علیه ایران است. از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی، حمله به تأسیساتی که می‌تواند موجب آزاد شدن نیروهای خطرناک و ایجاد تلفات گسترده غیرنظامی شود، مشمول محدودیت‌های ویژه است. ماده ۵۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، حمایت خاصی برای سدها، بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای برق پیش‌بینی کرده است، زیرا حمله به این اماکن ممکن است موجب آزاد شدن نیروهای خطرناک و خسارات شدید به جمعیت غیرنظامی شود. (International Committee of the Red Cross [ICRC], 2005, art. 56; Henckaerts & Doswald-Beck,1977) اگرچه بحث درباره شمول دقیق ماده ۵۶ بر همه انواع تأسیسات هسته‌ای، از جمله تأسیسات غنی‌سازی یا تحقیقاتی، نیازمند تحلیل فنی و حقوقی جداگانه است، اما اصل کلی روشن است: هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای که خطر انتشار مواد رادیواکتیو، آلودگی گسترده، آسیب زیست‌محیطی یا تلفات غیرنظامی داشته باشد، با معیارهای بسیار سخت‌گیرانه حقوق بشردوستانه مواجه است.(ICRC, 1977, arts. 51, 55, 57; ICRC, 2020 (International Atomic Energy Agency [IAEA], 2022;

در مورد ایران، حمله به تأسیسات هسته‌ای علاوه بر جنبه نظامی یا امنیتی ادعایی، می‌تواند پیامدهای فرامرزی نیز داشته باشد. آلودگی رادیواکتیو، آسیب به منابع آب، خاک، هوا، کشاورزی و سلامت عمومی، صرفاً محدود به محل حمله نخواهد بود. از این رو، چنین حمله‌ای ممکن است علاوه بر حقوق بشردوستانه، با قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله قواعد ناظر بر منع وارد آوردن خسارت زیست‌محیطی گسترده، شدید و بلندمدت در جریان مخاصمات مسلحانه نیز در تعارض قرار گیرد؛ (United Nations, ICRC, ۱۹۷۷, art. 55; International Court of ;1976 Justice [ICJ], 1996; International Law Commission ([ILC], 2022

۷- نقش ایالات متحده در حملات علیه ایران و مسئولیت بین‌المللی

۷-۱. حمایت مستقیم و غیرمستقیم آمریکا از اسرائیل

ایالات متحده از دهه‌ها پیش مهم‌ترین حامی نظامی، امنیتی، مالی و سیاسی اسرائیل بوده است. این حمایت شامل فروش یا انتقال تسلیحات پیشرفته، ارائه اطلاعات امنیتی، همکاری‌های پدافندی، حمایت دیپلماتیک در شورای امنیت و مشارکت در سامانه‌های هشدار و رهگیری موشکی می‌شود. در زمینه تقابل اسرائیل با ایران، نقش آمریکا صرفاً به حمایت سیاسی محدود نیست؛ بلکه می‌تواند در قالب ارائه اطلاعات شناسایی، هشدار زودهنگام، تسلیحات، مهمات، سامانه‌های دفاعی، همکاری سایبری و هماهنگی عملیاتی بروز کند. از منظر حقوق بین‌الملل، پرسش مهم این است که آیا چنین حمایت‌هایی می‌تواند مسئولیت بین‌المللی آمریکا را در قبال حملات اسرائیل علیه ایران ایجاد کند؟ پاسخ به این پرسش در پرتو ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی

قابل بررسی است. ماده‌ای که مسئولیت دولت کمک‌کننده را در صورت ارائه کمک یا مساعدت با علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه و در صورتی که همان عمل برای خود دولت کمک‌کننده نیز متخلفانه باشد، مطرح می‌کند (Congressional Research Service [CRS], 2023; International Law Commission ([ILC], 2001; Sharp, 2024

در جریان تشدید تنش‌های ایران و اسرائیل در سال ۲۰۲۴، نقش حمایتی ایالات متحده از اسرائیل ابعاد عملیاتی آشکاری یافت. پس از حملات موشکی و پهپادی ایران علیه اسرائیل در آوریل ۲۰۲۴، مقامات آمریکایی اعلام کردند که نیروهای ایالات متحده در رهگیری بخشی از پرتابه‌ها مشارکت داشته‌اند و هماهنگی‌های دفاعی گسترده‌ای میان آمریکا، اسرائیل و برخی شرکای منطقه‌ای صورت گرفته است. همچنین در اکتبر ۲۰۲۴، وزارت دفاع آمریکا از اعزام سامانه دفاع موشکی ارتفاع بالای تاد، یا THAAD، و نیروهای آمریکایی مرتبط با آن به اسرائیل خبر داد. افزون بر آن، حضور ناوشکن‌های مجهز به سامانه Aegis و سایر ظرفیت‌های دفاع هوایی و موشکی آمریکا در منطقه، در چارچوب دفاع از نیروها و متحدان آمریکا اعلام شد. این اقدامات، در سطح اعلامی، ماهیت دفاعی و بازدارنده داشته‌اند؛ اما از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی، اگر چنین حمایت‌هایی به‌طور مؤثر امکان انجام عملیات تهاجمی ناقض حقوق بین‌الملل را فراهم کند، می‌تواند ذیل مفهوم «کمک یا مساعدت» در ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین، تحلیل حقوقی باید میان حمایت دفاعی برای رهگیری حملات، حمایت سیاسی عمومی، و کمک مؤثر به عملیات تهاجمی مشخص تفکیک کند (U.S. Department of Defense, 2024; White House, 2024; ILC, 2001 ;Jackson, 2021).

در خصوص همکاری اطلاعاتی، روابط امنیتی آمریکا و اسرائیل به‌طور کلی شامل تبادل اطلاعات، هشدار زودهنگام، همکاری‌های پدافندی و هماهنگی‌های منطقه‌ای است. با این‌حال، ادعاهای مربوط به ارائه داده‌های ماهواره‌ای، اطلاعات سیگنالی یا اطلاعات هدف‌گیری برای حملات مشخص علیه اهدافی در ایران، به دلیل ماهیت طبقه‌بندی‌شده چنین اطلاعاتی، نیازمند احتیاط تحلیلی است و در بسیاری موارد از سطح گزارش‌های رسانه‌ای یا تحلیل‌های امنیتی فراتر نمی‌رود. از منظر حقوق بین‌الملل، صرف وجود همکاری اطلاعاتی میان دو دولت برای تحقق مسئولیت معاونتی کافی نیست؛ بلکه باید نشان داده شود که اطلاعات ارائه‌شده به‌طور مشخص و مؤثر در ارتکاب عمل متخلفانه به کار رفته، دولت کمک‌کننده از اوضاع و احوال متخلفانه بودن عمل آگاه بوده، و اگر همان عمل را خود انجام می‌داد، برای او نیز متخلفانه محسوب می‌شد. در نتیجه، اگر ثابت شود که آمریکا با علم به برنامه‌ریزی یا اجرای حمله‌ای ناقض ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد یا قواعد حقوق بشردوستانه، اطلاعات هدف‌گیری، داده‌های شناسایی، پشتیبانی سایبری، تسلیحات یا پوشش دفاعی مؤثر در اختیار اسرائیل قرار داده است، امکان طرح مسئولیت معاونتی آمریکا ذیل ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها وجود خواهد داشت. اما احراز چنین مسئولیتی مستلزم اثبات رابطه واقعی میان کمک ارائه‌شده و عمل متخلفانه، و نیز اثبات عنصر علم دولت کمک‌کننده است (ILC, 2001 ;Jackson, 2021; Moynihan, 2020; Crawford, 2013).

۷-۲. ماده ١٦ و طرح مسئولیت دولت‌ها و معاونت در عمل متخلفانه

بر اساس ماده ۱۶ «طرح مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی» مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولتی که به دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، در صورتی مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت که دو شرط اصلی احراز شود: نخست، دولت کمک‌کننده با علم به اوضاع‌واحوال عمل متخلفانه، کمک یا مساعدت را ارائه کرده باشد؛ و دوم، اگر همان عمل توسط خود دولت کمک‌کننده انجام می‌شد، برای او نیز متخلفانه محسوب می‌گردید. بنابراین، ماده ۱۶ یک قاعده مستقل درباره «مسئولیت معاونتی دولت» ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که مسئولیت بین‌المللی صرفاً محدود به دولت مباشر عمل متخلفانه نیست، بلکه ممکن است دولت ثالثی که نقش تسهیل‌کننده، پشتیبان یا تقویت‌کننده داشته است نیز مسئول شناخته شود (International Law Commission [ILC], 2001, art. 16; Crawford, 2013).

در تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل از ماده ۱۶، کمک یا مساعدت باید به‌گونه‌ای باشد که در ارتکاب عمل متخلفانه نقش واقعی و مؤثر ایفا کند. به بیان دیگر، حمایت‌های کاملاً کلی، مبهم یا صرفاً سیاسی، معمولاً برای تحقق مسئولیت معاونتی کافی نیستند؛ اما کمک‌هایی مانند ارائه تسلیحات، مهمات، اطلاعات هدف‌گیری، داده‌های ماهواره‌ای، پشتیبانی فنی، آموزش عملیاتی، سوخت‌رسانی، حمایت سایبری یا فراهم کردن زیرساخت‌های لازم برای اجرای عملیات، در صورتی که ارتباط کافی با عمل متخلفانه

داشته باشند، می‌توانند ذیل مفهوم «کمک یا مساعدت» قرار گیرند. این امر به‌ویژه در مخاصمات معاصر اهمیت دارد؛ زیرا عملیات نظامی غالباً بدون پشتیبانی اطلاعاتی، لجستیکی، سایبری و تسلیحاتی دولت‌های ثالث قابل انجام نیست یا با دشواری جدی مواجه می‌شود (ILC, 2001, commentary to art. 16; Jackson, 2021; Moynihan, 2020). رکن ذهنی ماده ۱۶، یعنی «علم به اوضاع و احوال عمل متخلفانه»، یکی از عناصر اساسی مسئولیت معاونتی است. دولت کمک‌کننده باید بداند یا بر اساس اوضاع و احوال موجود آگاه باشد که کمک ارائه‌شده در چارچوب عملی به کار خواهد رفت که از منظر حقوق بین‌الملل متخلفانه است. البته در دکترین حقوق بین‌الملل اختلاف‌نظر وجود دارد که آیا صرف «علم» کافی است یا باید نوعی «قصد تسهیل» نیز اثبات شود. تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل بیشتر بر علم به اوضاع و احوال تأکید دارد، نه لزوماً قصد خاص برای ارتکاب تخلف؛ هرچند در عمل، اثبات علم دولت کمک‌کننده معمولاً با دشواری همراه است و از طریق قرائن، مکاتبات رسمی، هشدارهای قبلی، گزارش‌های عمومی، ماهیت کمک و زمینه سیاسی–نظامی عملیات بررسی می‌شود. (2021, Crawford, 2013; Jackson;2001, ILC)

رکن دوم ماده ۱۶، شرط «دوگانگی تخلف» است. به موجب این شرط، دولت کمک‌کننده تنها زمانی مسئول خواهد بود که اگر همان عمل را خود انجام می‌داد، آن عمل برای او نیز نقض تعهد بین‌المللی محسوب می‌شد. بنابراین، اگر حمله‌ای ناقض ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد، اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله یا قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، دولتی که به‌طور مؤثر در تسهیل آن کمک کرده است، نمی‌تواند صرفاً با این استدلال که خود مستقیماً حمله را انجام نداده، از مسئولیت بگریزد. این شرط مانع از آن می‌شود که دولت‌ها با واگذاری اجرای عملیات به دولت دیگر، تعهدات بین‌المللی خود را دور بزنند (United Nations, 1945, art. 2(4); ILC, 2001, art. 16; Crawford, 2013,) در موضوع ایران، اگر حملات اسرائیل علیه قلمرو، شهرها، اماکن، تأسیسات نظامی، زیرساخت‌های حیاتی یا سامانه‌های سایبری ایران، ناقض منع توسل به زور، حاکمیت سرزمینی، اصل عدم مداخله یا قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، نقش ایالات متحده باید در پرتو ماده ۱۶ بررسی شود. در چنین حالتی، اگر ثابت شود که آمریکا با آگاهی از ماهیت حملات و آثار احتمالی آن‌ها، کمک اطلاعاتی، تسلیحاتی، سایبری، لجستیکی یا عملیاتی مؤثر ارائه کرده است، امکان طرح مسئولیت معاونتی آمریکا وجود خواهد داشت.(مختاری و ستایش‌پور، ۱۴۰۴) برای نمونه، ارائه مهماتی که در حمله مشخص به کار رفته، ارائه اطلاعات هدف‌گیری یا داده‌های ماهواره‌ای برای شناسایی اهداف در ایران، پشتیبانی سایبری از عملیات، سوخت‌رسانی به هواپیماها، فراهم کردن پوشش پدافندی برای کاهش هزینه پاسخ متقابل ایران، یا رهگیری پاسخ‌های دفاعی ایران می‌تواند از مصادیق قابل بررسی کمک یا مساعدت باشد. با این‌حال، مسئولیت آمریکا در این زمینه خودکار نیست و نیازمند اثبات دقیق سه عنصر، وجود عمل متخلفانه اصلی، وجود کمک مؤثر، و علم آمریکا به اوضاع و احوال متخلفانه آن عمل است. (ILC, 2001; Jackson, 2021; Moynihan, 2020)

۸- حملات سایبری علیه زیرساخت‌های ایران

با گسترش فناوری‌های دیجیتال و وابستگی روزافزون دولت‌ها به شبکه‌های رایانه‌ای، حملات سایبری علیه زیرساخت‌های حیاتی به یکی از حوزه‌های نوظهور و پرچالش حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. برخلاف حملات سنتی که معمولاً با استفاده از نیروی نظامی آشکار انجام می‌شوند، عملیات سایبری ممکن است بدون عبور فیزیکی نیروها از مرز، از راه دور و با دشواری جدی در انتساب انجام گیرد؛ اما آثار آن می‌تواند سامانه‌های برق، آب، سوخت، حمل‌ونقل، بانکی، درمانی، صنعتی، هسته‌ای و ارتباطی را مختل کند. از این رو، پرسش اصلی در حقوق بین‌الملل معاصر آن است که در چه شرایطی یک عملیات سایبری می‌تواند صرفاً نقض حاکمیت یا مداخله ممنوع تلقی شود و در چه مواردی به سطح «استفاده از زور» یا حتی «حمله مسلحانه» می‌رسد. (Moynihan, 2020; Schmitt, 2017)

در این زمینه،کتابچه راهنمای تالین ۲ درباره حقوق بین‌الملل قابل اعمال بر عملیات سایبری که توسط گروهی از کارشناسان بین‌المللی به سرپرستی مایکل اشمیت تدوین شده، یکی از مهم‌ترین منابع تحلیلی غیرالزام‌آور محسوب می‌شود. این کتابچه تلاش می‌کند قواعد سنتی حقوق بین‌الملل، از جمله منع توسل به زور، دفاع مشروع، اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را بر فضای سایبری تطبیق دهد. مطابق رویکرد غالب در این سند، عملیات سایبری که آثار آن از حیث شدت، گستره و پیامدها با عملیات نظامی متعارف قابل مقایسه باشد، می‌تواند ذیل مفهوم «استفاده از زور» موضوع ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد قرار گیرد. اگر آثار عملیات به سطح حمله مسلحانه برسد، برای نمونه موجب تلفات انسانی، تخریب فیزیکی گسترده یا از کار افتادن جدی زیرساخت‌های حیاتی شود، امکان طرح حق دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور نیز

مطرح خواهد شد. (United Nations, 1945, arts. 2(4), Schmitt, 2017, pp. 330–345;51)

با این‌حال، همه عملیات‌های سایبری به سطح استفاده از زور یا حمله مسلحانه نمی‌رسند. بسیاری از عملیات‌ها ممکن است در سطح نقض حاکمیت، مداخله ممنوع یا عمل متخلفانه بین‌المللی باقی بمانند؛ به‌ویژه هنگامی که آثار آن‌ها محدود به اختلال موقت، سرقت داده، دستکاری اطلاعات یا اخلال غیرمخرب در سامانه‌ها باشد. معیار اصلی در این ارزیابی، ابزار مورد استفاده نیست، بلکه آثار واقعی و قابل پیش‌بینی عملیات است. بنابراین، یک حمله سایبری بدون انفجار یا سلاح فیزیکی نیز اگر موجب تخریب فیزیکی، آسیب جدی به زیرساخت، تلفات انسانی یا اختلال شدید در خدمات حیاتی شود، می‌تواند از منظر حقوق توسل به زور اهمیت پیدا کند. در مقابل، عملیات‌هایی که صرفاً اثر اطلاعاتی، جاسوسی یا اختلال محدود دارند، معمولاً از آستانه حمله مسلحانه عبور نمی‌کنند، هرچند ممکن است همچنان با اصل حاکمیت یا عدم مداخله ناسازگار باشند (Roscini, 2014, pp. 45–68, 150; Moynihan, 2020; Schmitt, 2017;)

در خصوص حملات سایبری منتسب به آمریکا و اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه نمونه استاکس‌نت، اگرچه هیچ دولتی به‌طور رسمی مسئولیت عملیات را نپذیرفته است، این واقعه در ادبیات حقوقی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های عملیات سایبری دارای آثار فیزیکی مورد بحث قرار گرفته است. استاکس‌نت با هدف قرار دادن سانتریفیوژهای تأسیسات نطنز، نشان داد که عملیات سایبری می‌تواند از سطح نفوذ اطلاعاتی فراتر رود و به تخریب یا اختلال فیزیکی در تجهیزات صنعتی منجر شود. همین ویژگی موجب شده است که این نمونه در بحث‌های مربوط به انتساب، نقض حاکمیت، استفاده از زور و آستانه حمله مسلحانه جایگاه ویژه‌ای داشته باشد (Farwell & Rohozinski, 2011, Roscini, 2014; Schmitt, 2017;) از منظر حقوقی، اگر انتساب چنین عملیاتی به یک دولت ثابت شود، می‌توان استدلال کرد که تخریب فیزیکی تجهیزات هسته‌ای یا صنعتی، حتی بدون تلفات انسانی مستقیم، ممکن است ذیل مفهوم «استفاده از زور» موضوع ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد قرار گیرد. با این‌حال، این‌که چنین عملیاتی به آستانه «حمله مسلحانه» برسد و حق دفاع مشروع را فعال کند، همچنان محل اختلاف جدی است. بخشی از دکترین معتقد است که معیار اصلی باید شدت و آثار عملیات باشد و نه ابزار آن؛ بنابراین، عملیات سایبری دارای آثار مخرب فیزیکی می‌تواند در موارد شدید، معادل حمله مسلحانه تلقی شود. در مقابل، برخی حقوقدانان تأکید می‌کنند که برای فعال شدن ماده ۵۱ منشور، عملیات باید از نظر شدت و پیامدها با حملات نظامی متعارف قابل مقایسه باشد و صرف تخریب محدود تجهیزات، لزوماً کافی نیست (Roscini, 2014, p. 150; Schmitt, 2017, pp. 330-345; Gray, 2018) در نتیجه، در ارزیابی حملات سایبری علیه زیرساخت‌های ایران باید میان چند سطح حقوقی تفکیک کرد: نخست، عملیات‌هایی که صرفاً نقض حاکمیت یا مداخله ممنوع محسوب می‌شوند؛ دوم، عملیات‌هایی که به دلیل آثار مخرب یا اختلال شدید، به سطح «استفاده از زور» می‌رسند؛ و سوم، عملیات‌هایی که از حیث شدت و آثار، معادل حمله مسلحانه‌اند و امکان استناد به دفاع مشروع را مطرح می‌کنند. این تفکیک برای ایران اهمیت اساسی دارد؛ زیرا نوع پاسخ حقوقی، دیپلماتیک یا حتی دفاعی ایران به عملیات سایبری، به سطح حقوقی همان عملیات و میزان اثبات انتساب آن به دولت مهاجم بستگی دارد (Moynihan, 2020; Schmitt, 2017; United Nations General Assembly, 2021)

۹- اصول حقوق بشردوستانه در ارزیابی حملات علیه ایران

حقوق بشردوستانه بین‌المللی، یا حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه، مجموعه‌ای از قواعد است که حتی در زمان جنگ نیز رفتار طرف‌های مخاصمه را محدود می‌کند. این قواعد مستقل از مشروعیت یا عدم مشروعیت آغاز جنگ اعمال می‌شوند؛ یعنی حتی اگر حمله‌ای از منظر منشور ملل متحد و قواعد توسل به زور نامشروع باشد، طرفین همچنان مکلف‌اند در جریان عملیات نظامی اصول بنیادین حقوق بشردوستانه، از جمله تفکیک، تناسب، احتیاط و منع ایجاد رعب در میان غیرنظامیان را رعایت کنند. این اصول به‌ویژه در ارزیابی حملات احتمالی یا ادعایی علیه شهرها، اماکن، زیرساخت‌های حیاتی، تأسیسات نظامی، مراکز صنعتی و اهداف دوگانه در ایران اهمیت اساسی دارند (Dinstein, 2016 ; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005; International Committee of the Red Cross [ICRC], 1977) در ادامه به هر یک از این اصول و جایگاه آن در بحث خواهیم پرداخت.

۹-۱. اصل تفکیک

اصل تفکیک یکی از بنیادین‌ترین اصول حقوق بشردوستانه بین‌المللی و به تعبیر رایج، سنگ‌بنای حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه است. مطابق ماده ۴۸ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو، طرف‌های مخاصمه باید همواره میان جمعیت غیرنظامی و رزمندگان، و میان اموال غیرنظامی و اهداف نظامی تمایز قائل شوند و عملیات خود را فقط علیه اهداف نظامی هدایت کنند. این اصل در مواد ۵۱ و ۵۲ پروتکل اول نیز توسعه یافته است. ماده ۵۱ حمله مستقیم به جمعیت غیرنظامی و اشخاص غیرنظامی را ممنوع می‌کند و ماده ۵۲ مقرر می‌دارد که اموال غیرنظامی نباید موضوع حمله قرار گیرند، مگر آنکه در زمان حمله، معیار هدف نظامی را احراز کرده باشند (ICRC, ۱۹۷۷, arts. ۴۸, ۵۱, ۵۲) بر اساس ماده ۵۲ بند ۲ پروتکل اول، اهداف نظامی فقط اشیائی هستند که به لحاظ «ماهیت، موقعیت، هدف یا استفاده» سهم مؤثری در عملیات نظامی دارند و نابودی، تصرف یا خنثی‌سازی آن‌ها در اوضاع و احوال حاکم، مزیت نظامی مشخصی ایجاد می‌کند. بنابراین، صرف اهمیت اقتصادی، سیاسی، فناورانه یا نمادین یک مکان، آن را به هدف نظامی تبدیل نمی‌کند. برای مثال، یک نیروگاه برق، پالایشگاه، بندر، فرودگاه، مرکز مخابراتی یا مرکز داده ممکن است در حالت عادی مال غیرنظامی باشد؛ اما اگر در زمان حمله به‌طور مؤثر برای فرماندهی، کنترل، انتقال نیرو، پشتیبانی مستقیم عملیات نظامی یا تأمین فوری توان رزمی استفاده شود، ممکن است در شرایط خاص، هدف نظامی تلقی شود. با این‌حال، چنین تشخیصی باید موردی، دقیق و مبتنی بر اطلاعات معتبر زمان حمله باشد. (ICRC, ۱۹۷۷, art. ۵۲(۲); Henckaerts & Doswald-Beck, ۲۰۰۵)

در ارزیابی حملات علیه ایران، اصل تفکیک ایجاب می‌کند که مناطق مسکونی، مدارس، بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، اماکن مذهبی، تأسیسات فرهنگی، شبکه‌های آب‌رسانی، سامانه‌های فاضلاب، شبکه برق، مراکز امدادی، انبارهای غذا و دارو، و سایر زیرساخت‌های غیرنظامی، هدف حمله مستقیم قرار نگیرند؛ مگر آنکه در زمان حمله، به‌طور مشخص و مؤثر در عملیات نظامی مشارکت داشته باشند. حتی در چنین فرضی نیز بار اثبات و ارزیابی اولیه برعهده طرف حمله‌کننده است. حمله به یک منطقه شهری یا زیرساخت عمومی صرفاً به این دلیل که ممکن است به‌طور غیرمستقیم به اقتصاد دولت یا توان کلی کشور کمک کند، با اصل تفکیک سازگار نیست. (ICRC, ۱۹۷۷, ICRC, ۲۰۰۵, arts. ۴۸, ۵۲;

۹-۲. اصل تناسب

اصل تناسب یکی دیگر از قواعد بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. این اصل به‌معنای برابر بودن خسارات دو طرف جنگ نیست، بلکه ناظر بر رابطه میان «مزیت نظامی مستقیم و ملموس مورد انتظار» و «خسارات جانبی قابل پیش‌بینی به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی» است. مطابق ماده ۵۱ بند ۵ قسمت ب پروتکل اول، حمله‌ای که انتظار می‌رود موجب تلفات غیرنظامی، جراحت غیرنظامیان، خسارت به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از آن‌ها شود و این خسارات در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و ملموس مورد انتظار، بیش از حد باشد، ممنوع است (ICRC, 1977, art. 51(5)(b); Henckaerts & Doswald-Beck, 2005). معیار تناسب، به‌ویژه در حمله به اهداف دوگانه اهمیت دارد. برای نمونه، ممکن است یک مرکز ارتباطی، نیروگاه، پالایشگاه، بندر یا فرودگاه در شرایط خاص به عملیات نظامی کمک کند؛ اما حمله به آن می‌تواند آثار گسترده‌ای بر غیرنظامیان داشته باشد. در چنین مواردی، طرف حمله‌کننده باید بررسی کند که آیا مزیت نظامی حاصل از نابودی یا خنثی‌سازی هدف، آن‌قدر مستقیم، مشخص و مهم هست که تلفات یا خسارات جانبی قابل پیش‌بینی را توجیه کند یا خیر. مزیت نظامی نباید کلی، فرضی، سیاسی، اقتصادی یا بلندمدت باشد؛ بلکه باید مستقیم و مرتبط با عملیات نظامی مشخص باشد. (ICRC, 1977, art. 57; Dinstein, 2016; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005)

در رابطه با ایران، اصل تناسب در حمله به مراکز پدافندی، تأسیسات صنعتی، پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، بنادر، شبکه برق، سامانه‌های مخابراتی، مراکز داده، تأسیسات هسته‌ای و زیرساخت‌های سوخت‌رسانی اهمیت ویژه دارد. برای مثال، اگر حمله به یک سامانه پدافندی در نزدیکی منطقه مسکونی موجب تخریب خانه‌ها، کشته یا زخمی شدن غیرنظامیان، آتش‌سوزی گسترده یا اختلال در خدمات شهری شود، باید بررسی شود که آیا مزیت نظامی حاصل از نابودی همان سامانه پدافندی با این خسارات قابل مقایسه و متناسب بوده است یا خیر. به همین ترتیب، اگر حمله به پالایشگاه یا نیروگاه موجب قطع سوخت یا برق بیمارستان‌ها، سامانه آب‌رسانی، حمل‌ونقل عمومی، سردخانه‌های دارویی یا خدمات اضطراری شود، این آثار باید در ارزیابی تناسب لحاظ شوند (ICRC, 2020; ICRC, 2021) بنابراین، اصل تناسب حملاتی را ممنوع می‌کند که انتظار می‌رود تلفات، جراحات یا خسارات جانبی غیرنظامی ناشی از آن‌ها در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و

ملموس مورد انتظار، بیش از حد باشد. در ارزیابی حملات علیه ایران، این اصل به‌ویژه در مورد اهداف دوگانه مانند پالایشگاه‌ها، شبکه برق، سامانه‌های سوخت‌رسانی، بنادر، فرودگاه‌ها، مراکز ارتباطی، تأسیسات صنعتی و سامانه‌های پدافندی نزدیک به مناطق شهری اهمیت دارد. مزیت نظامی مورد انتظار باید واقعی، مستقیم و مشخص باشد و نمی‌توان آثار قابل پیش‌بینی حمله بر غیرنظامیان، از جمله قطع خدمات درمانی، آب، برق، سوخت، حمل‌ونقل، ارتباطات اضطراری یا آسیب زیست‌محیطی را نادیده گرفت. بنابراین، حمله‌ای که به ظاهر علیه یک هدف نظامی انجام می‌شود اما به‌طور قابل پیش‌بینی موجب بحران انسانی یا تخریب گسترده خدمات حیاتی غیرنظامی می‌گردد، ممکن است ناقض اصل تناسب باشد. (Henckaerts; ICRC, 1977, arts. 51(5)(b), 57) (ICRC, 2021;2020 , Doswald-Beck, 2005; ICRC &

۹-۳. اصل احتیاط

اصل احتیاط مکمل اصول تفکیک و تناسب است. این اصل به این معناست که طرف‌های مخاصمه باید در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرای حملات، همه اقدامات احتیاطی ممکن را برای جلوگیری یا کاهش آسیب به غیرنظامیان و اموال غیرنظامی اتخاذ کنند. ماده ۵۷ پروتکل اول الحاقی، مهم‌ترین مقرره قراردادی در این زمینه است. بر اساس این ماده، طرف حمله‌کننده باید همه اقدامات ممکن را برای اطمینان از نظامی بودن هدف انجام دهد، وسایل و روش‌های حمله را به‌گونه‌ای انتخاب کند که آسیب جانبی به حداقل برسد، از حملات نامتناسب خودداری کند، و در صورت امکان، هشدار مؤثر و به‌موقع به غیرنظامیان بدهد (ICRC, 1977, art. 57) اصل احتیاط یک تعهد رفتاری است، نه صرفاً نتیجه‌ای. یعنی دولت حمله‌کننده موظف است پیش از حمله ارزیابی دقیق انجام دهد، اطلاعات قابل اعتماد جمع‌آوری کند، گزینه‌های کم‌خطرتر را بررسی کند و اگر معلوم شود هدف نظامی نیست یا حمله نامتناسب خواهد بود، حمله را لغو یا تعلیق کند. این تعهد شامل انتخاب زمان مناسب حمله، نوع مهمات، زاویه حمله، شدت انفجار، مسیر حمله، هشدار قبلی و حتی انتخاب هدف جایگزین می‌شود. برای نمونه، اگر حمله به یک رادار یا سامانه پدافندی در نزدیکی شهر در ساعتی انجام شود که احتمال حضور غیرنظامیان زیاد است، یا از سلاحی استفاده شود که آثار انفجاری گسترده دارد، رعایت اصل احتیاط محل تردید قرار می‌گیرد (ICRC, 1977, art. 57; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005)

در مورد ایران، اصل احتیاط در حمله به زیرساخت‌های حیاتی و اهداف واقع در نزدیکی مناطق شهری اهمیت دوچندان دارد. بسیاری از مراکز نظامی، صنعتی، انرژی، ارتباطی و پدافندی ممکن است در نزدیکی مناطق مسکونی، جاده‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز آموزشی، تأسیسات آب و برق یا مراکز امدادی قرار داشته باشند. در چنین شرایطی، حمله‌کننده نمی‌تواند صرفاً با استناد به نظامی بودن هدف، از بررسی آثار جانبی خودداری کند. او باید بررسی کند که آیا امکان استفاده از ابزار دقیق‌تر، زمان مناسب‌تر، حمله محدودتر، هشدار قبلی یا روش جایگزین وجود دارد یا خیر (ICRC, 1977; ICRC, 2021 ,art. 57) ماده ۵۸ پروتکل اول نیز به احتیاطات در برابر آثار حملات می‌پردازد و بر تعهد طرف‌های مخاصمه برای دور نگه داشتن غیرنظامیان و اموال غیرنظامی از اهداف نظامی تا حد امکان تأکید می‌کند. البته این تعهد از مسئولیت طرف حمله‌کننده نمی‌کاهد؛ یعنی حتی اگر یک هدف نظامی در نزدیکی منطقه غیرنظامی قرار داشته باشد، مهاجم همچنان مکلف است اصول تفکیک، تناسب و احتیاط را رعایت کند. در موضوع ایران، این نکته مهم است؛ زیرا وجود تأسیسات نظامی در نزدیکی مناطق شهری، به‌خودی‌خود مجوز حمله بی‌قید و شرط ایجاد نمی‌کند (ICRC, 1977, arts. 57, 58; 2005, Henckaerts & Doswald-Beck)

بنابراین، اصل احتیاط ایجاب می‌کند که طرف حمله‌کننده در برنامه‌ریزی و اجرای هر حمله، همه اقدامات عملی ممکن را برای اطمینان از نظامی بودن هدف و کاهش آسیب به غیرنظامیان اتخاذ کند. این اصل شامل راستی‌آزمایی هدف، انتخاب ابزار و روش کم‌خطرتر، تعیین زمان مناسب حمله، محدود کردن دامنه عملیات، لغو یا تعلیق حمله در صورت آشکار شدن نامتناسب بودن آن، و در صورت امکان، ارائه هشدار مؤثر به غیرنظامیان است. در حملات علیه ایران، به‌ویژه حمله به سامانه‌های پدافندی نزدیک شهرها، تأسیسات انرژی، مراکز صنعتی، شبکه برق، سوخت، بنادر، فرودگاه‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی، رعایت اصل احتیاط اهمیت اساسی دارد. استفاده از سلاح‌های انفجاری پرقدرت در مناطق پرجمعیت، نادیده گرفتن آثار زیست‌محیطی یا بی‌توجهی به وابستگی غیرنظامیان به خدمات حیاتی، می‌تواند با اصل احتیاط ناسازگار باشد (ICRC, 1977, arts. 57, 58; Henckaerts & Doswald-Beck, 2005; ICRC, 2020; ICRC, 2021)

۹-٤. منع ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی

حقوق بشردوستانه بین‌المللی نه‌تنها حمله مستقیم به غیرنظامیان را ممنوع می‌کند، بلکه اعمال یا تهدیدهایی را که هدف اصلی آن‌ها ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد نیز ممنوع می‌داند. ماده ۵۱ بند ۲ پروتکل اول الحاقی مقرر می‌کند که جمعیت غیرنظامی و اشخاص غیرنظامی نباید موضوع حمله قرار گیرند و «اعمال یا تهدیدهای خشونت‌آمیز که هدف اصلی آن‌ها ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی باشد» ممنوع است. همین قاعده در ماده ۱۳ بند ۲ پروتکل دوم الحاقی نیز در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی آمده است (ICRC, 1977, art. 51(2); ICRC, 1977a/۱۹۷۷) منع ایجاد رعب با اصل تفکیک ارتباط نزدیک دارد، اما دقیقاً همان نیست. ممکن است حمله‌ای مستقیماً علیه غیرنظامیان نباشد، اما هدف اصلی آن ترساندن جمعیت غیرنظامی، شکستن روحیه عمومی، ایجاد وحشت اجتماعی، فلج کردن زندگی شهری یا وادار کردن مردم به فشار بر دولت باشد. در چنین حالتی، حتی اگر ادعا شود که حمله به یک زیرساخت عمومی انجام شده است، باید هدف واقعی یا غالب عملیات بررسی شود. اگر هدف اصلی حمله، نه کسب مزیت نظامی مستقیم، بلکه ایجاد فشار روانی بر مردم غیرنظامی باشد، این اقدام با منع ایجاد رعب در تعارض خواهد بود (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005; ICRC, 1977, art. 51(2)).

در ارزیابی حملات علیه ایران، این اصل در مورد حمله به زیرساخت‌های عمومی اهمیت ویژه دارد. برای مثال، اگر حمله به شبکه برق، سامانه سوخت‌رسانی، ارتباطات، حمل‌ونقل، بانک‌ها، رسانه‌ها یا مراکز خدمات عمومی با هدف اصلی ایجاد نارضایتی عمومی، بی‌ثبات‌سازی اجتماعی، فشار روانی بر مردم، ایجاد صف‌های طولانی، فلج کردن زندگی شهری یا تحمیل هزینه مستقیم بر غیرنظامیان انجام شود، می‌تواند از منظر حقوق بشردوستانه ممنوع باشد. البته باید میان «ترس به‌عنوان اثر جانبی حمله به هدف نظامی» و «رعب به‌عنوان هدف اصلی عملیات» تفکیک کرد. هر حمله نظامی ممکن است ترس ایجاد کند، اما آنچه ممنوع است، حمله یا تهدیدی است که هدف اصلی آن ایجاد وحشت در میان غیرنظامیان باشد (ICRC, 1977, art. 51(2)); رویه قضایی (Henckaerts & Doswald-Beck, 2005; بین‌المللی نیز اهمیت این قاعده را تأیید کرده است. دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در پرونده *Galić*، کارزار گلوله‌باران و تک‌تیراندازی علیه غیرنظامیان سارایوو را از مصادیق ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی دانست و تأکید کرد که هدف قرار دادن جمعیت غیرنظامی برای ترساندن، کنترل یا شکستن روحیه آن‌ها می‌تواند جنایت جنگی محسوب شود. این رویه نشان می‌دهد که برای احراز ممنوعیت ایجاد رعب، علاوه بر آثار حمله، باید قصد، الگوی عملیات، نوع اهداف انتخاب‌شده، اظهارات مقامات و پیامدهای قابل پیش‌بینی حملات بررسی شود (International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia [ICTY], 2003).

از همین‌رو، حقوق بشردوستانه بین‌المللی اعمال یا تهدیدهایی را که هدف اصلی آن‌ها ایجاد رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی باشد، ممنوع می‌کند. این ممنوعیت، علاوه بر منع حمله مستقیم به غیرنظامیان، ناظر بر وضعیتی است که حمله یا تهدید به حمله با هدف شکستن روحیه مردم، ایجاد فشار روانی، فلج کردن خدمات شهری، ایجاد نارضایتی اجتماعی یا تحمیل هزینه مستقیم بر جمعیت غیرنظامی انجام شود. در مورد ایران، اگر حمله به زیرساخت‌های عمومی مانند شبکه برق، سوخت، ارتباطات، حمل‌ونقل، بانک‌ها، مراکز درمانی یا سامانه‌های خدمات شهری، نه برای کسب مزیت نظامی مستقیم و مشخص، بلکه عمدتاً برای ایجاد وحشت و فشار بر مردم غیرنظامی صورت گیرد، چنین اقدامی می‌تواند ناقض منع ایجاد رعب در میان جمعیت غیرنظامی باشد. البته باید میان ترس ناشی از حمله مشروع به هدف نظامی و حمله‌ای که هدف اصلی آن ایجاد رعب است، تفکیک کرد (ICRC, 1977, art. 51(2); Henckaerts & Doswald-Beck, 2005; ICTY, 2003; ICRC, 2020).

۱۰- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با محدودیت‌های ذاتی و عینی مواجه بوده است. نخست، بسیاری از اطلاعات مربوط به حملات نظامی و سایبری، به دلیل ماهیت امنیتی آن‌ها، طبقه‌بندی‌شده و غیرقابل دسترس هستند. تحلیل‌های ارائه‌شده در این پژوهش، بر اساس گزارش‌های رسمی منتشرشده، منابع رسانه‌ای معتبر و اظهارات عمومی مقامات صورت گرفته و ممکن است تصویر کاملی از واقعیت میدانی نباشد. همچنین، مسئله «انتساب» در حملات سایبری و برخی عملیات‌های اطلاعاتی همچنان یک چالش بزرگ حقوقی است. اگرچه شواهد فنی و قرائن سیاسی می‌توانند به یک دولت اشاره کنند، اما اثبات قطعی انتساب در دادگاه‌های بین‌المللی استاندارد بسیار بالایی دارد. در این میان اختلاف نظرهای دکترینی در میان

حقوق‌دانان بین‌المللی، به‌ویژه در موضوع «دفاع مشروع پیش‌دستانه» و «تفسیر اصل تناسب در حملات سایبری»، وجود دارد و این مقاله صرفاً یکی از دیدگاه‌های معتبر در این زمینه را منعکس می‌کند. بررسی قواعد حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که حملات آمریکا و اسرائیل علیه قلمرو و زیرساخت‌های ایران، در صورتی که فاقد مجوز شورای امنیت و فاقد شرایط سخت‌گیرانه دفاع مشروع باشند، اصولاً ناقض ممنوعیت توسل به زور و اصل حاکمیت دولت‌ها هستند. ادعای دفاع مشروع در برابر تهدیدات احتمالی آینده، به‌ویژه اگر بر مبنای دفاع پیشگیرانه باشد، در حقوق بین‌الملل جایگاه مستحکمی ندارد.

از منظر حقوق بشردوستانه، حمله به اهداف نظامی نیز تنها در صورتی مجاز است که اصول تفکیک، تناسب و احتیاط رعایت شود. حمله به زیرساخت‌های حیاتی و اهداف دوگانه ایران نیازمند ارزیابی بسیار دقیق است؛ زیرا چنین حملاتی می‌تواند آثار گسترده‌ای بر جمعیت غیرنظامی داشته باشد. شبکه برق، سوخت، آب، حمل‌ونقل، ارتباطات، بنادر، پالایشگاه‌ها و تأسیسات هسته‌ای، صرفاً اهداف فنی یا نظامی نیستند، بلکه با حق حیات، سلامت، امنیت و معیشت مردم ارتباط مستقیم دارند. نقش آمریکا در حمایت از اسرائیل نیز از منظر مسئولیت بین‌المللی قابل توجه است. اگر کمک‌های آمریکا به اسرائیل با علم به ارتکاب اعمال متخلفانه و در تسهیل آن اعمال انجام شود، می‌تواند مسئولیت معاونتی آمریکا را طبق ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها مطرح کند. در صورت مشارکت مستقیم آمریکا، مسئولیت مستقیم این کشور در قبال ایران قابل بررسی خواهد بود.

حملات آمریکا و اسرائیل به قلمرو، شهرها، اماکن و زیرساخت‌های ایران، از منظر حقوق بین‌الملل واجد ابعاد پیچیده اما قابل تحلیل است. قاعده بنیادین حاکم بر این موضوع، ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌هاست. هیچ دولت یا ائتلافی نمی‌تواند صرفاً بر اساس ارزیابی یک‌جانبه از تهدیدات آینده، به قلمرو دولت دیگر حمله کند. دفاع مشروع، استثنایی محدود و مشروط است و تنها در صورت وقوع حمله مسلحانه، ضرورت، تناسب و رعایت الزامات منشور قابل استناد است.

در خصوص ایران، حملات مستقیم نظامی، حملات سایبری مخرب، ترورهای هدفمند، خرابکاری در زیرساخت‌ها و تهدید به حمله علیه تأسیسات حیاتی، همگی باید در چارچوب قواعد منع توسل به زور، اصل حاکمیت، اصل عدم مداخله و حقوق بشردوستانه بین‌المللی ارزیابی شوند. حمله به زیرساخت‌های حیاتی، به‌ویژه تأسیسات انرژی، سامانه‌های سوخت‌رسانی، شبکه برق، مراکز صنعتی و تأسیسات هسته‌ای، به دلیل آثار زنجیره‌ای بر زندگی غیرنظامیان، با محدودیت‌های شدید حقوقی مواجه است.

از سوی دیگر، مسئولیت آمریکا صرفاً در صورتی مطرح نیست که مستقیماً به ایران حمله کند؛ بلکه حمایت اطلاعاتی، تسلیحاتی، عملیاتی یا سایبری از حملات اسرائیل نیز در صورت تحقق شرایط ماده ۱۶ طرح مسئولیت دولت‌ها می‌تواند مسئولیت بین‌المللی آمریکا را ایجاد کند. بنابراین، مستندسازی دقیق نقش آمریکا و اسرائیل، ثبت خسارات، گردآوری شواهد فنی و حقوقی و استفاده از ظرفیت‌های سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری، مجمع عمومی و افکار عمومی بین‌المللی، برای پیگیری حقوقی و سیاسی ایران اهمیت اساسی دارد.

در نهایت، گرچه ضعف سازوکارهای اجرایی حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در برابر قدرت‌های بزرگ، مانعی جدی برای تحقق عدالت است، اما این ضعف به معنای بی‌اعتباری قواعد حقوقی نیست. ممنوعیت توسل به زور، حمایت از غیرنظامیان، منع حملات نامتناسب و مسئولیت دولت‌ها همچنان قواعد معتبر و الزام‌آور حقوق بین‌الملل‌اند و می‌توانند مبنای مطالبه حقوقی، سیاسی و اخلاقی ایران در برابر حملات آمریکا و اسرائیل قرار گیرند.

منابع

الف: فارسی

قائدی، سعید، فضائلی، مصطفی و راسته،مرتضی. (۱۴۰۴). ارزیابی ادعای دفاع مشروع اسرائیل در تجاوز به ایران از منظر اصل منع توسل به زور در حقوق بین‌الملل. (e78062). پژوهش‌نامه حقوق اسلامی, e78062 doi: 10.30497/law.2025.249118.3884

چراغی، جواد. (۱۴۰۴). تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران. (e231625). فصلنامه تمدن حقوقی, ۸(۲۵), e231625 doi: 10.22034/lc.2025.549220.1692

مختاری، سعید و ستایش پور,محمد. (۱۴۰۴). مسئولیت مشترک ناشی از کمک یا مساعدت ایالات‌متحده به رژیم صهیونیستی در تجاوز ۱۲ روزه به ایران. (e۷۳۲۲۹۲). دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی, e732292 doi: 10.22034/jrpl.2025.2075641.1191

ب: انگلیسی

Amnesty International. (2024). *Unlawful Attacks on Iran: A Legal Analysis of the April and October 2024 Strikes*. Amnesty International Report.

Azad, M. (2023). War and Self Defence in Contemporary Just War Theory: A Philosophical Critique of Collectivist Account. *J Adv Educ Philos, 7*(2), 48–51.

Callamard, A. (2020). *Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions: Inquiry into the Unlawful Death of Major General Qasem Soleimani*, UN Doc. A/HRC/44/CRP.5.

Callamard, A. (2021). *Report of the Special Rapporteur on Extrajudicial, Summary or Arbitrary Executions: Targeted Killings and Pre-emptive Self-Defence*, UN Doc. A/HRC/44/CRP.1.

Congressional Research Service. (2023). *Israel: Background and U.S. relations*. Congressional Research Service. https://crsreports.congress.gov/

Corten, O. (2021). *The law against war: The prohibition on the use of force in contemporary international law* (2nd ed.). Hart Publishing.

Crawford, J. (2013). *State responsibility: The general part*. Cambridge University Press.

Deeks, A. S. (2022). The 'Unwilling or Unable' Doctrine: Ten Years On. *American Journal of International Law, 116*(3), 512–538.

Dinstein, Y. (2017). *War, aggression and self-defence* (6th ed.). Cambridge University Press.

Dinstein, Y. (2021). *War, aggression and self-defence* (7th ed.). Cambridge University Press.

Farwell, J. P., & Rohozinski, R. (2011). Stuxnet and the future of cyber war. *Survival, 53*(1), 23–40. https://doi.org/10.1080/00396338.2011.555586

Gray, C. (2018). *International law and the use of force* (4th ed.). Oxford University Press.

Gray, C. (2022). *International law and the use of force* (5th ed.). Oxford University Press.

Henckaerts, J.-M., & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary international humanitarian law: Volume I: Rules*. Cambridge University Press.

Hokayem, E. (2026). The war against Iran. *Survival, 68*(2), 41–48.

International Atomic Energy Agency. (2022). *Nuclear safety, security and safeguards in Ukraine*. IAEA. https://www.iaea.org/topics/response/nuclear-safety-security-and-safeguards-in-ukraine

International Committee of the Red Cross. (1977). *Protocol additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the protection of victims of international armed conflicts: Protocol I*. ICRC. https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/api-1977

International Committee of the Red Cross. (1977a). *Protocol additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the protection of victims of non-international armed conflicts: Protocol II*. ICRC. https://ihl-databases.icrc.org/en/ihl-treaties/apii-1977

International Committee of the Red Cross. (2005). *Customary international humanitarian law database: Rule 1. The principle of distinction between civilians and combatants; Rule 7. The principle of distinction between civilian objects and military objectives*. ICRC. https://ihl-databases.icrc.org/en/customary-ihl

International Committee of the Red Cross. (2020). *International humanitarian law and cyber operations during armed conflicts*. ICRC. https://www.icrc.org/en/document/international-humanitarian-law-and-cyber-operations-during-armed-conflicts

International Committee of the Red Cross. (2021). *Explosive weapons with wide area effects: A deadly choice in populated areas*. ICRC. https://www.icrc.org/en/publication/9215-explosive-weapons-wide-area-effects-deadly-choice-populated-areas

International Court of Justice. (1986). *Military and paramilitary activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment*. I.C.J. Reports 1986. https://www.icj-cij.org/case/70

International Court of Justice. (1996). *Legality of the threat or use of nuclear weapons, Advisory Opinion*. I.C.J. Reports 1996. https://www.icj-cij.org/case/95

International Court of Justice. (2003). *Oil platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Judgment*. I.C.J. Reports 2003.

International Court of Justice. (2005). *Armed activities on the territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment*. I.C.J. Reports 2005.

International Criminal Court. (1998). *Rome Statute of the International Criminal Court*. ICC.

International Criminal Court. (2010). *Review Conference of the Rome Statute: Amendments on the crime of aggression*. ICC.

International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia. (2003). *Prosecutor v. Stanislav Galić, Case No. IT-98-29-T, Judgment*. ICTY. https://www.icty.org/x/cases/galic/tjug/en/gal-tj031205e.pdf

International Law Commission. (2001). *Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, with commentaries*. United Nations. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/9_6_2001.pdf

International Law Commission. (2022). *Draft principles on protection of the environment in relation to armed conflicts, with commentaries*. United Nations. https://legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/8_7_2022.pdf

Jackson, M. (2021). *Complicity in international law*. Oxford University Press.

Moynihan, H. (2020). *Aiding and assisting: Challenges in armed conflict and counterterrorism*. Chatham House. https://www.chathamhouse.org/

Moynihan, H. (2020). *The application of international law to state cyberattacks: Sovereignty and non-intervention*. Chatham House. https://www.chathamhouse.org/2020/12/application-international-law-state-cyberattacks

Reuters. (2024, April 19). *Israel launched attack on Iran, sources say, as explosions reported in Isfahan*. Reuters.

Roscini, M. (2014). *Cyber operations and the use of force in international law*. Oxford University Press.

Roscini, M. (2021). Cyber Operations and the Use of Force: Recent Developments. *Journal of Conflict and Security Law, 26*(2), 195–218.

Ruys, T. (2010). *'Armed attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in customary law and practice*. Cambridge University Press.

Ruys, T. (2023). *'Armed attack' and Article 51 of the UN Charter: Evolutions in customary law and practice* (2nd ed.). Cambridge University Press.

Schmitt, M. N. (Ed.). (2017). *Tallinn Manual 2.0 on the international law applicable to cyber operations*. Cambridge University Press.

Schmitt, M. N. (2021). The Use of Force in the Cyber Domain: Reflections on the Tallinn Manual 2.0. *International Law Studies, 97*, 345–362.

Schmitt, M. N. (2023). Self-Defence Against Cyber Attacks: The Accumulation of Events Theory Revisited. *EJIL: Talk!*.

Sharp, J. M. (2024). *U.S. foreign aid to Israel*. Congressional Research Service. https://crsreports.congress.gov/

Simma, B. (Ed.). (2012). *The Charter of the United Nations: A Commentary* (3rd ed., Vol. 1). Oxford University Press.

U.S. Department of Defense. (2024, October 13). *Statement from Pentagon Press Secretary Maj. Gen. Pat Ryder on the deployment of a THAAD battery to Israel*. U.S. Department of Defense. https://www.defense.gov/

UN OCHA. (2024). *Situation Report: Escalation of Hostilities in the Middle East, April-October 2024*. United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs.

UN Secretary-General. (2023). *A New Agenda for Peace: Policy Brief 4*, UN Doc. A/77/CRP.1.

United Nations. (1945). *Charter of the United Nations*. United Nations. https://www.un.org/en/about-us/un-charter/full-text

United Nations. (1976). *Convention on the prohibition of military or any other hostile use of environmental modification techniques*. United Nations. https://treaties.unoda.org/t/enmod

United Nations General Assembly. (1950). *Uniting for peace, Resolution 377 (V)*. United Nations.

United Nations General Assembly. (1974). *Definition of aggression, Resolution 3314 (XXIX)*. United Nations.

United Nations General Assembly. (2021). *Open-ended working group on developments in the field of information and telecommunications in the context of international security: Final substantive report* (A/AC.290/2021/CRP.2). United Nations.

Wajahat, J., Ali, M. S., & Ali, R. N. (2025). Cyber warfare and the application of international humanitarian law: A legal vacuum? *Policy Journal of Social Science Review, 3*(10), 521–528.

White House. (2024, April 13). *Statement from President Joe Biden on Iran's attacks against the State of Israel*. The White House. https://www.whitehouse.gov/briefing-room/statements-releases/

Wilmshurst, E. (Ed.). (2021). *The Chatham House Principles of International Law on the Use of Force in Self-Defence* (Updated ed.). Chatham House.